



## بنام عدالت

بیانیه شماره ۳ سدازا:

### آزادی و عدالت، ندای حق ملت

در وضعیت کنونی ایران، عدالت زیر چکمه های ماموران امنیتی سرکوب می شود. فعالیت های حقوق بشری هر چند محتاطانه اما باز هم، اقدام علیه امنیت ملی محسوب میشود، عدالت طلبی کارگری، اغتشاش و براندازی نامیده میشود، اعتراض مسالمت آمیز با شلاق و حبس سنگین روبرو میشود. عدالت چیزی نیست که به اثبات نیاز داشته باشد بلکه خود بیانگر عیار خویش است. از اینروست که دادگاه های علنی بازداشتی های اخیر، در دنیا به نام دادگاه های نمایشی استالینی مشهورند و نه بعنوان نمونه ای از دادگاه های عدل اسلامی. عدالت در احکام سنگین و بی تناسب با جرمی که حتی محرز بودنش هم دارای شبهه است، در حال تکه تکه شدن است.

تنها صادق کبودوند نیست که قربانی عدالت گُشی شده و به جرم تاسیس سازمان حقوق بشر کردستان به یازده سال حبس محکوم شده است. بلکه عدالت نیز قربانی شده است. تنها منصور اسانلو نیست که به جرم عدالت خواهی در زندان بیمار و رنجور است، امید همه عدالت خواهان برای رسیدن به عدالت بیمار شده است. تنها ارزنگ داودی نیست که شش سال است در زندان در بلا تکلیفی به سر میرد و تاریخ دادگاه اش مرتبا به تعویق می افتد، بلکه عدالت بلا تکلیف مانده است. تنها آیت الله بروجردی نیست که در تناقض حرف اسلامی تا عمل ضد انسانی و اسلامی گرفتار شده است بلکه عدالت هم در این تناقض چند پاره گشته است. تنها بهمن احدی امویی نیست که پرونده اش از شرم سفید بودن از هر گونه اتهام و برجسبی، گم میشود بلکه عدالت هم در لابلای پرونده های قضایی گم شده است.

تنها بهروز جاوید تهرانی، برادران علایی، یاشار قاجار، عابد توانچه، منصور کهندل، منصور رادپور، عدنان حسن پور، فرزاد کمانگر، کیوان صمیمی، پیمان عارف، سعید شریعتی، مصطفی تاج زاده، احمد زید آبادی، مسعود باستانی، کیان تاج بخش، کارگران هفت تپه و همه زندانیان سیاسی و اقلیتهای معنوی و مذهبی نیستند که برای هیچ به صلابه کشیده میشوند تا درس عبرت شوند، بلکه عدالت هم به صلابه کشیده میشود.

## سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی



تنها احسان فتحیان نبود که بدار آویخته شد، بلکه عدالت هم به دار آویخته شد. تنها زهرا بنی یعقوب، زهرا کاظمی، ابراهیم لطف الهی، حسین روح الامینی و دیگر کشته شدگان زیر شکنجه نیستند که دادخواهی شان به قیامت مانده است، بلکه عدالت هم منتظر دادخواهی است.

اما اصلی تجربه شده و ثابت شده وجود دارد؛ عدالت صفتی از صفات ایزد یکتاست و متضمن برقراری نظم در جهان، پس نه می میرد و نه در حبس ابد میماند. هر گاه عدالت در زیر احکام سنگین، مجازاتهای بی تناسب یا چکمه های سرکوب پایمال شده است، تنها پیامد این سرکوب، عزم راسخ تر و پیگیرانه تر عدالت خواهان بوده است.

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی، سدازا (صدا) در پی صدور احکام غیر قابل قبول و ناعادلانه بسیاری از پرونده های به اصطلاح امنیتی، از همه نخبگان سیاسی، فعالان حقوق بشر، اصحاب رسانه، هنرمندان و دانشجویان فهیم ایران تقاضا دارد که هر آنچه در توان دارند به کار گیرند و از طرق مدنی، مسالمت آمیز و مبتکرانه به دفاع از حقوق پایمال شده زندانیان بی دفاع عقیدتی - سیاسی بپردازند و بیش از پیش توجه جهانیان را به این مهم جلب کنند. معطوف شدن نگاه جهان بر وضعیت کنونی زندانیان اعتقادی گامی مهم در دفاع از این زندانیان و تضمینی بر حفظ سلامت آنان خواهد بود. هیچ فردی نمیتواند در زیر فشار نگاه خیره مردم جهان به نادیده گرفتن عدالت و پایمال کردن حقوق دیگری ادامه دهد.

سدازا بسیار مغتنم می‌شمارد که؛

- ضرورت آزادی زندانیان عقیدتی - سیاسی،
  - ضرورت برخورداری متهمان از حقوق شهروندی در دادگاه هایی صالحه که ملزم به رعایت عملی قانون باشد،
  - ضرورت مسئولیت پذیری مسئولان ارشد نظام نسبت به حفظ جان و سلامت کلیه زندانیان اعتقادی و ملتزم به احیای حقوق پایمال شده آنان،
- از اهداف اصلی هر ایرانی باشد که آزادی بیان و اندیشه را پاس می نهد و عدالت را حق محقق نشده خود میداند.

بیست و یکم آبانماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت

سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی

## سازمان دفاع از زندانیان اعتقادی



" سدازا "

به پیوست :

بیانیه شماره ۱ سدازا: آزادی بیان و اندیشه مسلم ترین حق ماست

بیانیه شماره ۲ سدازا: کمپین دفاع از زندانیان اعتقادی

کتاب آموزشی سدازا با عنوان "دفاع از زندانیان بی دفاع"